

#### مرا معلم عشق تو شاعری آموخت

خانم پرتواصر بسیاری داشتند من تدریس موسیقی انجام بدهم اما همان دوران هم در حوصله‌ام نمی‌گنجید، اما آقای ظریف علاقه بسیاری به آموزش داشتند و معلم بزرگی بودند و به مدت ۶۰ سال، نمره علم و دانش خود را به هنرجویان آموختند.» هوشنگ ظریف سبک متفاوتی در تارنوازی داشت، استاندارد او در تدریس به ردیف‌استادش موسی خان معروفی است. ردیفی که موسی خان طی ۳۰ سال و با بهره‌گیری از ردیف میرزا عبدالله و آقا حسینقلی و برخی دیگر از قدما نوشته است. استاد ظریف معتقد است این شیوه کامل‌ترین ردیف است و خود را به‌عنوان یک شاگرد موظف می‌داند که آن را تدریس کند. کتاب «دستور مقدماتی تار و سه تار» نوشته زنده یاد روح‌الله خالقی که در میان هنرجویان موسیقی با نام کتاب اول و دوم معروف است سال‌هاست در هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های موسیقی به‌عنوان کتاب مقدماتی نوازندگی این دوساز تدریس می‌شود. این کتاب در ابتدا به‌صورت جزوه‌هایی بود که استادان هنرستان آن را تدریس می‌کردند. اما هوشنگ ظریف تمامی این جزوه‌ها را جمع‌آوری و تصحیح کرد و به‌صورت یک کتاب منتشر شد که یکی از پرکاربردترین کتاب‌های موسیقی ایرانی است. آثار صوتی بسیاری هم دارد که مربوط است به برنامه‌های متعدد گله‌ا که ضبط و پخش شده است و تکنوازی‌های زیبایی از خود به یادگار گذاشته است اما کاست «اصفهان دشتی» یکی از بهترین نمونه‌های تکنوازی تار در ایران است.

هوشنگ ظریف و پروین صالح هر دو از چهره‌های بنام و شناخته شده موسیقی ایران هستند و در کنار زندگی مملو ازعشق خود، هنر موسیقی را هم عاشقانه دنبال کردند؛ آنها آموختند و آموزش دادند تا آیندگان هم رهرو راه آنها باشند و سال‌ها شاگردی در محضر بزرگان موسیقی چون روح‌الله خالقی، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، جواد معروفی و... و تعلیم و تربیت از منش و هنر این بزرگان را به نسل جوان هم انتقال دادند اما سرنوشت آن هنرستان موسیقی ملی و آنچه امروز با عنوان هنرستان موسیقی شناخته شده است دنیای دیگری است و همین اتفاقات تلخ و فشارهای عصبی هوشنگ ظریف را بیمار کرد و با بیماری آلزایمر همه آن روزهای تلخ و شیرین زندگی به فراموشی سپرده شد تا دیگر نداند چه بر سر نسل جوان موسیقی آمد و سرنوشت آن همه تعلیم و تربیت چه شد؟ همان سرنوشتی که گریبان زنده یاد حسین دهلوی را هم گرفت و هیچ گاه به آن رویش نرسید و سرانجام به گفته شاگردانش دق کرد؛ حسین دهلوی و هوشنگ ظریف نتوانستند رنجی را که بر سر موسیقی آمده است را تاب آورند و چون صدایشان به جایی نمی‌رسید به یکباره به سکوت نشستند اما سینه‌شان پر درد بود، دهلوی که رفت اما مرهمی هم برای زخم‌های هوشنگ ظریف پیدا نشد. براستی چه چیزی سبب شد مسیر هنر، موسیقی و آموزش تغییرکند و نگاه‌های فرمایشی و سفارشی بتوانند به مراکز آموزشی بویژه هنرستان موسیقی ملی که یادگار کلنل علینقی وزیری و روح‌الله خالقی است راه پیدا کنند!

خانم صالح‌نقش استاد بزرگی چون هوشنگ ظریف در تربیت و آموزش موسیقی را اینگونه نقل می‌کند: «متأسفانه در حال حاضر فضای آموزشی بسیار تغییر کرده نه شاهد تدریس استادان و معلمان موسیقی خوب هستیم و نه هنرچوها دل به کار می‌دهند. بهتر است بگوییم موسیقی را تفننی و از سرتفریح و سرگرمی دنبال می‌کنند. مدرس خوب ابتدا باید یک هنرمند عاشق و با اخلاق و منش درست باشد و مانند یک پدر دلسوزانه رفتار کند تا بتواند شاگردانش را با جان و دل آموزش بدهد. از آقایان حسین علیزاده، ارشد طهماسبی یا دیگران سؤال کنید روش تدریس آقای ظریف چگونه بود و با موسیقی چه کرد؟! آقای ظریف موسیقی را نت به نت تدریس می‌کرد و برای آموزش صحیح ساعت‌ها وقت می‌گذاشت تا هنرمندان نخیه را در اجتماع پرورش بدهد. من همچنان تأکید می‌کنم مدرس واقعی باید شاگردانش را مانند فرزند خود دوست بدارد تا از طریق این ارتباط عاطفی، احساسش را به آنها انتقال دهد. متأسفانه باید بگویم در حال حاضر مسائل مالی و خیلی مسائل دیگر به همه هنر‌های ما نفوذ پیدا کرده و واژه هنر و هنرمند را کاملاً تغییر داده است. فراموش نکنیم رسانه ملی هم نقش بسیاری دارد، آن دوران از ساعت ۸ شب برنامه رادیو پخش آثار هنرمندانی چون دلکش، فاخرته‌ای، بنان و... بود اما امروز تلویزیون به جای نشان دادن ساز شهناز، گل و بلبل نشان می‌دهد و این فاجعه بزرگی است؛ واقعاً نمی‌دانم سیاست‌کاری رسانه ملی چیست؛ موسیقی نواز شکر روح انسان است نه تخریب جامعه.

بی‌تردید همین بی‌احترامی‌ها و برخورد‌های نادرست سبب شد بعد از انقلاب هیچ‌یک از آن هنرمندان در تلویزیون حضور نداشته باشند و اوضاع روز به روز بدتر از گذشته می‌شود. شرایط موسیقی بانوان هم که مشخص است من و خانم‌ها اقلیا پر تو، ارفع اطرابی و گیتی وزیری تبار از بازمانده‌های نسل گذشته هستیم که در صحنه امروز حضوری نداریم. البته من بعد از انقلاب به‌دلیل بیماری آرتروز بازنشسته شدم و درواقع نخستین کسی بودم که از ارکستر ملی کناره‌گیری کردم و تا به امروز نه تدریسی دارم و نه‌سازی می‌نوازم.»

هوشنگ ظریف و پروین صالح در این سال‌ها مشوق یکدیگر بودند و در کنار هم و در سفرهای متفاوت، روزگار خود را بدون کمترین حاشیه و مسأله‌ای گذراندند و در این سال‌های میانی‌سالی هم همچنان کنار یکدیگر به‌سرمی‌برند؛ هیچ‌گاه ابراز کلاه به ودلخوری نداشته‌اند اما تنها کلاه به استاد اجحاف در حق هنرجویان بود و پذیرش آن را نداشت. او از اعضای هیأت انتخاب دانشکده موسیقی دانشگاه هنر و هنرستان موسیقی بود و شمی‌توانست به خود بقبولاند کسی که شناختی از موسیقی ندارد در دانشگاه تحصیل کند و در مقابل فردی که با عشق و دانش موسیقی را انتخاب کرده براحتی کنار گذاشته شود و در آخر تصمیم خود را گرفت و از دانشگاه استعفا کرد. خانم صالح می‌گوید: «آقای ظریف بعد از استعفا از دانشگاه، آموزش موسیقی را به‌صورت خصوصی برگزار کرد، بدون آنکه وجهی از شاگردانش دریافت کند. اما آنقدر غصه خورد و غصه‌هایش را در سینه حبس کرد تا آرام آرام افسردگی گرفت و بیماریش شدت یافت و در این مدت جز دوستان و شاگردان صمیمی‌اش کسی حالی از او نمی‌پرسد. سه سال است که در این خانه نشسته‌ام و جز برای رفتن دکتر از منزل خارج نشده‌ام؛ البته وظیفه‌ام است آن زمان که عقدنامه‌مان را امضا کردیم تعهد دادیم در خوشی و ناخوشی در کنار هم باشیم و همدیگر را فراموش نکنیم. هوشنگ ظریف بزرگ‌ترین افتخار زندگی من است او برای من استاد، همسر و یک رفیق مهربان است. در این سال‌ها کوچکترین بی‌احترامی از ایشان ندیدم چرا که او پرورش یافته روح‌الله خالقی بود و انسانیت مهم‌ترین درسی بود که از او آموخت. همین چند روز پیش به‌دلیل گبودی انگشتانش حلقه از دواج‌مان را از دستش درآوردم، در پشت این حلقه تاریخ از دواج‌مان حک شده، یادگار آن روزهای خوب هنرستان موسیقی‌ملی و... بیان این همه خاطرات زیبا و تلخ و شیرین از استاد «هوشنگ ظریف» بنیای دیگری از او برایم می‌سازد

به دیدارش می‌روم، در گوشه‌ای از اتاقش روی تخت دراز کشیده و نگاهش به نقطه‌ای خیره مانده. موهای لخت و سفیدش صورت او را همچنان زیبا و دلنشین نشان می‌دهد اما انگشتان دستش دیگر رمق در دست گرفتن تارو در شورنواختن را ندارند. عاقبت آنهایی که او را خانه‌نشین کردند چه خواهد شد؟ استاد با همان چشمان پر مهرش که یک دنیا حرف در آن نهفته است نگاهش را به من می‌دوزد. با خودم می‌گویم چه خوب است که در روزگار چنین مردی زندگی می‌کنم.

ادامه از صفحه ۷

۱

گفت‌وگو

۲

گفت‌وگو

لوکا یکی از استعداد‌های ترومپت نوازی ایتالیا است و صدای سازش منحصر به فرد و خلاقانه است. موسیقی آکینو ریشه دربداهه نوازی‌های مایلز دیویس و جت بیکراست و درواقع بازتابی از موسیقی‌های جاز، هپ هاپ و گرنج در آثار او نمایان است.

تریوی جزا کشور ایتالیا شاه‌ماه شنبه ۲۶ بهمن ماه نخستین اجرای بخش موسیقی بین الملل را در تالار وحدت روی صحنه برد. لوکا آکینو سرپرست این گروه موسیقی و نوازنده ساز ترومپت است که در این برنامه با همراهی فابو گیوچینو نوازنده پیانو و داومیراندا نوازنده کنترباس قطعاتی را به‌صورت بداهه برای مخاطبان اجرا کردند.

موسیقی فجر است. او درگفت‌وگو با «ایران» از علاقه‌مندی‌اش به موسیقی جز می‌گوید: از ۱۷ سالگی به موسیقی‌های راک، گرنج و گروه‌های جز آمریکایی علاقه‌مند شدم و بسیار گوش می‌دادم تا آنکه در ۲۰ سالگی عمویم یک ترومپت برایم خرید و با این ساز کار خود را شروع کردم البته هیچ گاه موسیقی را به‌صورت آکادمیک دنبال نکرده‌ام و اغلب کارهایم به‌صورت بداهه است.

آکینو در ادامه بیان کرد: زادگاه موسیقی گروه ما برگرفته از موسیقی سنتی کشور ایتالیا است و با ترکیب موسیقی جز، که از نگاه من یک هنر بداهه نوازی است.

او درمورد تأثیر موسیقی درتبادل فرهنگی ملت‌ها افزود: سال‌ها پیش در کمپین میراث جهانی یونسکو شرکت کردیم و اجرایی در شهر پترا (اردن) برگزار شد البته موزیسین‌های بسیاری از کشورهای مختلف شرکت داشتند، این کنسرت درواکنش به حمله طالبان به اردن بود و در آنجا بود که به‌قدرت موسیقی پی بردم و باید گفت هنرموسیقی ملت‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کند. لوکا آکینو ۴ سال قبل آلبومی منتشر کرد که موضوع آن صلح بود که با حمایت یونسکو تهیه شده بود وخواید آن آلبوم را به خانواده قربانیان حمله طالبان به اردن



سایت جشنواره موسیقی فجر

ضابط نبی زاده از موسیقیدانان و خوانندگان شهر جمهوری آذربایجان شاه‌ماه یکشنبه ۲۷ بهمن نخستین اجرای خود را در قالب جشنواره موسیقی فجر در سالن خلیج فارس فرهنگسرای نیاوران برگزار کرد. در کنسرت اخیر علی اصغر ممدا ف نوازنده تار و خیام ممدا ف نوازنده کمانچه، ضابط نبی زاده را همراهی کردند اجرای که در سه بخش موسیقی مقامی، ماهینی (ترانه) و ترانه‌های فولکلور بود.

هدف و معالیت ضابط نبی زاده ارائه و معرفی موسیقی مقامی آذربایجان است. او که از سال ۲۰۰۰ تاکنون مشغول تدریس در کالج موسیقی پاکو است، بارها به‌عنوان نماینده موسیقی آذربایجان در جشنواره موسیقی فجر برای اولین و همچنین در شهرهای مختلف ایران نیز کنسرت های بسیاری برگزار کرده است.

نخستین باری که نبی زاده به ایران آمد سال ۱۹۹۴ بود به گفته او: «زمانی که به ایران آمدم آیت‌الله العظمی محمدعلی ارکانی به تازگی درگذشته بود و بعد از آن ۹ بار دیگر هم به ایران سفر کردم و در سینما آزادی اجرای برنامه داشتم، همان سینمایی که آتش گرفت. به‌طور کلی شاید بیش از ۱۴ کنسرت در تهران برگزار کرده باشم. البته اجراهای بسیاری هم در شهر تبریز داشته‌ام.» اجرای آن دوره در تهران با همراهی هنرمندان بزرگ جمهوری آذربایجان چون «هابیل علی اف»، «عاشیق عدالت نصیب



خبرگزاری آنا

## از موسیقی شرقی الهام گرفته‌ام

پرداخت کرد.

او علاقه‌مند به موسیقی شرقی است و از این موسیقی بسیار الهام گرفته البته آشنایی او با موسیقی شرقی بواسطه گوش دادن به آثار Jon Hassell نوازنده مشهور ترومپت آمریکایی است. لوکا در ادامه بیان کرد: از کودکی به آثار Jon Hassell علاقه‌مند بودم. او سال‌ها در خاورمیانه زندگی کرده و آشنا با موسیقی این منطقه است و نواهایی که با ترومپت می‌نوازند تأثیرگرفته از موسیقی شرقی بوده است. البته بعد ساخت آن آلبوم که به سفارش یونسکو بود من نیز تحت تأثیر موسیقی شرقی قرار گرفتم.

به موسیقی آوازی ایران بیان کرد: آواز بنیان موسیقی آذربایجان و ایران است اما در نوع ارائه آن تفاوت‌ها و مهارت‌های خاص وجود دارد. ناگفته نماند موسیقی آذربایجان در یک برهه زمانی تحت تأثیر موسیقی ایران قرار گرفته است.

او در مورد بهره‌گیری از اشعار شاعران ایرانی در موسیقی آذری اظهار داشت: شاعران بزرگی چون محمد حسین شهریار، شاه اسماعیل خطایی، ابوالقاسم نباتی و... در ایران هستند که اشعار زیبایی به فارسی و آذری سروده‌اند و درواقع آثار مشترکی است که در ایران و آذربایجان استفاده می‌شود اما به‌طور مثال نمی‌توانیم از اشعار سعیدی در موسیقی آذربایجان بهره ببریم چرا که سبک خاصی دارد و در موسیقی‌های مقامی قرار نمی‌گیرد اما اگر به عقب‌تر برگردیم خواهید دید اشعار بسیاری هستند که در به‌کارگیری موسیقی آذری و ایرانی مشترک هستند. اشعار شاعرانی چون فضل‌الله نعیمی یا عمادالدین نسیمی، ناگفته نماند چه خوب است که اشعار دیگر شاعران بزرگ ایران چون نظامی گنجوی یا فروزی استرآبادی به آذری ترجمه شود و مورد استفاده قرار بگیرد.

او در ادامه درباره تأثیر موسیقی درتبادل فرهنگی ملت‌ها گفت: اگر می‌خواهید کشوری را بشناسید به موسیقی آن گوش بدهید همه چیز از طریق موسیقی قابل درک است و در روابط کشورها اهمیت بسیاری دارد. بهتر است بگوییم آنقدر که موسیقی می‌تواند در حل مسائل ملت‌ها تأثیر گذار باشد، سیاست و سیاست‌گذاران نمی‌توانند چرا که به همین سبب هیچ گاه محصور نمی‌شود و اگر فرصتی باشد دوست دارم با نوازنده های ایران همکاری داشته باشم.

او می‌گوید: تمام عمرم را برای موسیقی گذاشته‌ام و موسیقی زندگی من شده است من به‌خاطر موسیقی به کشورهای مختلف دنیا سفر کردم و دوست دارم همه بدانند موسیقی چیست و آن را احساس کنند و امیدوارم که از موسیقی قدر شناسی شود. در حال حاضر موسیقی آذربایجان و ایران در دنیا شنیده می‌شود و همه به آن علاقه‌مند هستند خود من هم سال‌ها است تجربیاتم را به نسل جوان منتقل می‌کنم.

گفت‌وگو

مردم جمهوری

آذربایجان

استاد شجریان

را خیلی دوست

دارند و او را

خواننده بزرگی

می‌دانند، او

یکی از مفاخر

موسیقی دنیا

است. عالیم

قاسم اف

خواننده شهر

آذربایجان و

آقای شجریان

هنرمندان بسیار

بزرگی هستند و

در یک تراز قرار

دارند